

ترامن چشم در راهم

=====

ترامن چشم در راهم شباهنگام ،
که می گیرند در شاخ " تلاجن " ، سایه ها رنگ سیاهی
وزان دلخستگانت راست ، اندوهی فراهم
ترامن چشم در راهم .

..

شباهنگام . در آن دم که بر جا ، دره ها چون مرده ماران ، خفتگانند
در آن نوبت ، که بند دست نیلوفر به پای سرو کوهی ، دام
گرم یاد آوری یانه ، من از یادت نمی کاهم ،
ترامن چشم در راهم .

= نیما =

زمستان ۱۳۳۶

۲

هنوز از شب .

=====

هنوز از شب دمی باقی است ، می خواند در او شبگیر
و شب تاب ، از نهانجایش ، به ساحل میزند سوسو .

..

به مانند چراغ من که سوسو میزند در پنجره ی من
به مانند دل من که هنوز از حوصله وز صبر من باقی ست در او
به مانند خیال عشق تلخ من که می خواند

..

و مانند چراغ من که سوسو میزند در پنجره ی من
نگاه چشم سوزانش - امید انگیز - با من
در این تاریک منزل میزند سوسو .

= نیما = ۱۳۲۹